

دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: ۸۶۲۲۷ Article Number: ۷۲۳۰۰۱۰۲ ISSN-P: ۲۷۱۷-۱۱۳۲

بررسی دیدگاه های حقوقی، فقهی و شرعی قتل در فراش

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۳/۱۲)

سمیه بشیرنژاد مطلق

چکیده

با تشکیل یک خانواده اسلامی تعهداتی برای زوجین ایجاد می گردد که نقض این تعهدات از سوی طرفین در طول زندگی مشترک می تواند نتایج زیانبار سنگینی را در وحله نخست برای زوجین و سپس برای جامعه ایجاد کند. یکی از این تعهدات که در کلام معصومان علیه السلام نیز منعکس گردیده است، امین بودن زوج و زوجه نسبت به جسم خودشان در قبال یکدیگر است. در فقه امامیه عدم مراقبت زوجه از این امانت که می تواند یکی از مصادیق آن زنا و وی با مرد اجنبی باشد موجب ایجاد حقی برای زوج می گردد، که با اصطلاح "قتل در فراش" بین فقها و حقوقدانان مشهور گردیده است. با توجه به ریشه مشخص فقهی این موضوع اظهار نظر درباره آن تنها با مراجعه به منابع فقهی و تحلیل نظریات فقها امکانپذیر است و توجه صرف به تحلیل های حقوقی و مبانی توجیه کننده آن درباره این موضوع راهگشا نیست. اسلام "قتل در فراش" را مستلزم شرایطی دانسته که در صورت عدم رعایت آن شرایط مرتکب به مجازات محکوم می شود، این شرایط عبارتند از این که :

- قتل به محض رویت صحنه زنا توسط شوهر صورت می گیرد.
- قبلاً برای این کار با همسر خود تبنانی نکرده باشد.
- شوهر به تمکین رضایتمند همسرش از مرد اجنبی آگاه باشد و در صورت آگاهی از اکراه زن در تمکین، جواز قتل نمی باشد.
- چهار مرد عادل شاهد صحنه باشند و در دادگاه شهادت دهند.
- همچنین تهییج و تحریک روحی، دفاع از عرض و ناموس و اجرای حدود الهی، البته شوهر بعد از قتل زانی و زانیه باید مهردورالدم بودن آنها را ثابت کند و در غیر اینصورت قصاص می شود.

واژگان کلیدی: قتل در فراش، همسر، تعهدات زوجین، زانی و زانیه، زنا

بخش اول: قتل در فراش از نگاه حقوق دانان

پس از پیروزی انقلاب اسلامی قانون مجازات از جمله قوانینی بود که دچار تغییر و تحول گردید و قانون مجازات اسلامی جایگزین قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ شد. مسئله قتل در فراش که در ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ گنجانده شده بود، در قانون راجع به مجازات اسلامی سال ۱۳۶۱ و قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ صحبتی از آن به میان نیامد. این ماده بیان داشت که "هرگاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا در حالی که به منزله وجود در یک فراش است مشاهده کند و مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آنها یا هر دوی آنها شود از مجازات معاف است. هرگاه به طریق مزبور دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی ببیند و در حقیقت هم علاقه زوجیت بین آنها نباشد و مرتکب قتل شود از یک تا شش ماه حبس جنحه ای محکوم خواهد شد و اگر در مورد قسمت اخیر این ماده مرتکب جرم یا ضرب شود به حبس جنحه ای از ۱۱ روز تا ۲ ماه محکوم می‌شود." ولی این حکم در سال ۱۳۷۵ در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی، جواز قتل زوجه و زانی را در هنگام مشاهده زانی آنها، به شوهر داده و به‌طورکلی شوهر را از هر مجازاتی معاف دانسته است. در حالی که در ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ حبس جنحه ای برای شخص قاتل در نظر گرفته شده بود. علاوه بر این در ماده ۶۳۰ تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ جواز قتل زانی و زانیه فقط به شوهر اختصاص یافته است در حالی که در ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ اگر برادری خواهر خود را و یا پدری دختر خود را با مرد اجنبی در یک فراش میدید می‌توانست مرتکب قتل یا ضرب و جرح هر دو یا یکی از آنها بشود. تصویب ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی بیشتر با اقتباس از قانون مجازات فرانسه صورت گرفته بود و به این علت حکم این ماده در حقوق ایران سابقه تاریخی مدون ندارد. چنین حکمی در قوانین تمدن‌های قدیمی از جمله در تمدن آشور و امپراتوری ژاپن و یونان باستان و... و در قوانین کشورهای چون پرتغال، بلژیک، ایتالیا و برخی کشورهای عربی نیز وجود داشته است. گفتنی است حامیان برابری حقوق زن و مرد در کشورهایی که حکم "قتل در فراش" در قانون آنها وجود دارد به این ماده قانونی اعتراض نموده‌اند. استدلال ایشان این است که این قانون تنها مردان را از مجازات معاف نموده است، در حالی که چنین حقی برای زنان در موقعیت مشابه قائل نشده است. این افراد در کشور فرانسه نیز به

ماده ۳۲۴ قانون جزای این کشور که قائل به همین معافیت برای مردان شده بود. اعتراض نموده و خواهان اعطای چنین حق متقابلی را به زنان نیز شدند تا آن‌ها نیز محق باشند و در صورتی که شوهر قانونی خود را در حال زنا با زنی اجنبیه مشاهده نمایند آنها را به قتل برسانند. اما وارد کردن این ایراد بر ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی وجه شرعی و قانونی ندارد. زیرا تعدد زوجات برای مردان امر قانونی و شرعی است بنابراین اگر زنی شوهرش را با زن بیگانه در حال ارتباط جنسی مشاهده کند مرد می تواند ادعا نماید که این زن در عقد نکاح دائم یا موقت او بوده است اما زن شوهردار هیچ گاه نمی تواند ادعای داشتن دو شوهر در آن واحد را داشته باشد. در سال ۱۳۶۱ قانون حدود و قصاص به تصویب رسید و نیز قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ ماده مرقوم حذف شد. قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۰۴ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن به موجب ماده ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی اصلاحی سال ۱۳۷۷ نسخ صریح گردیده است. در سال ۱۳۷۵ مقنن با استناد به منابع فقهی مبادرت به تصویب ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی گردید که ماده مزبور دارای مستنداتی است که مبنای جرم انگاری این عمل قرار گرفته است. این ماده مجوزی برای ارتکاب قتل است، مجوز برای مردی که اگر همسرش اعم از دائمی و موقت را در حال زنا با مرد اجنبی ببیند بتواند او را به قتل برساند. منظور از مرد اجنبی هم مردی است که زنا با آن زن بر وی حرام است بنابراین اگر مردی مشاهده کند که زنش با برادر خود یا با یکی از محارم یا اقوام دیگر زنا میکند میتواند آنها را بکشد. مشهور فقهای امامیه نیز بر اساس روایات، به قتل زانی و زوجه حین ارتکاب زنا فتوا داده‌اند و دسته‌ای دیگر از فقها نیز به طور مقید قائل به جواز قتل شده‌اند. که در ادامه به بیان مختصری از این روایات می‌پردازیم.

- روایت ابن ابی الجریین: در این روایت آمده معاویه نامه‌ای به ابوموسی اشعری نوشت مبنی بر اینکه ابن ابی الجریین مردی را به همراه زن خود یافت و زانی را به قتل رساند و حکم آن بر من مشکل شد، حکم این مسئله را از علی علیه السلام سوال کن. ابوموسی می‌گوید علی(ع) را ملاقات نمودم و ایشان گفت: به خدا قسم چنین مسئله‌ای مربوط به کوفه نیست، مربوط به کجا است؟ ابوموسی می‌گوید: گفتم معاویه برای من نوشته است که همانا ابن ابی الجریین به همراه زن خود مردی را یافت و او را به قتل رساند و قضاوت بر این مشکل شد، نظرتون درباره این مرد چیست؟ پس ایشان گفت اگر چهار شاهد به آنچه دیده است شهادت بدهند اشکالی ندارد و الا قصاص می‌شود.

- مرحوم خویی می‌گوید: این روایت اگرچه از نظر دلالت تمام است ولی از نظر سند از چند جهت ضعیف است، در این روایت حصین ابن عمر وجود دارد که او مجهول است، همچنین یحیی بن سعید هم مجهول است، ضمن آنکه طبقه ی احمد به نضر متاخر از حصین بن عمر است و امکان روایت کردن وی از ایشان وجود ندارد پس روایت از این جهت مرسله است.

- مرحوم گلپایگانی در این می‌گوید: مجرد یافتن اجنبی با همسرش مجوز قتل نیست مگر آنکه گفته شود این کنایه از زنا است، همانگونه که جمله لزوم و اعتبار چهار شاهد که در جواب امام علی علیه السلام آمده است شاهد بر این است هر چند در سوال نیامده است، پس امکان دارد امام علی علیه السلام خودش با قرائن بداند که سوال از زناست و حسب معلومات خود جواب داده باشد.

- فاضل هندی این روایت را صحیح دانست، همین روایت بیانگر معافیت قاتل از مجازات قصاص در صورت اثبات زنا است.

- خوانساری می‌گوید به جهت ضعف سند یا مرسله بودن این روایات مورد مناقشه قرار گرفته است.

- تبریزی می‌گوید این روایات از لحاظ سند ضعیف است و دلیلی بر جبران ضعف سند آن به واسطه عمل مشهور وجود ندارد زیرا احتمال دارد فتوای بعضی از فقها بر جواز قتل زانی و زوجه زانیه می‌باشد در حالی که روایت مذکور بر قتل زانی ظهور دارد.

- فاضل هندی این روایات را صحیح دانست همین روایات بیانگر معافیت قاتل از مجازات قصاص در صورت اثبات زنا است.

روایت فتح بن یزید جرجانی: این راوی از حضرت امیرالمومنین علیه السلام سوال می‌کند مردی به قصد دزدی یا زنا وارد خانه دیگری می‌شود و صاحب خانه او را به قتل می‌رساند آیا صاحب منزل قصاص می‌شود؟ امام علی علیه السلام فرمودند: همانا کسی که وارد خانه دیگری می‌شود خونس هدر است و چیزی بر صاحبخانه نیست.

- مرحوم خویی درباره این روایت اظهار نموده به اینکه هم از لحاظ سند و هم از لحاظ دلالت ضعیف است. از نظر سند به دلیل وجود عده‌ای از افراد مجهول، از نظر دلالت به سبب آنکه مورد روایت ورود به منزل دیگری به خاطر انجام کارهای ناشایست یا دزدی است

که قتل مهاجم به خاطر دفاع جایز است ولی در مسئله قتل در فراش عنوان دفاع صدق نمی‌کند پس روایت بیگانه از محل بحث است.

- مرحوم خوانساری در نقد این روایت می‌گوید هم از نظر سند ضعیف است و هم از نظر دلالت، در آن بحث شده است ضعف دلالت از این جهت است که مورد روایت وارد شدن به خانه دیگری به قصد زنا یا دزدی است که قتل مهاجم از حیث دفاع جایز است و از این رو گفتیم این امر به زنا اختصاص ندارد و اگر شخص جهت تقبیل همسر وی، وارد خانه دیگری شود قتل او جایز است و این برخلاف مورد بحث ما که جواز قتل در فراش است می‌باشد زیرا در بحث ما عنوان دفاع صدق نمی‌کند.

- روایتی از حضرت علی علیه السلام: در این روایت از امیرالمومنین علیه السلام در مورد مردی که مرد دیگری را به قتل رساند و ادعا نمود که او در حال زنا به همراه زنش دیده است سوال شد. حضرت فرمود: قاتل قصاص می‌شود مگر اینکه بینه اقامه کند. این روایت مرسله است اگر مرسله نبود می‌شد بر مسئله جواز قتل در فراش استدلال کرد منتها باید زوج اثبات کند که اجنبی با همسرش مرتکب زنا شده و الا قصاص می‌شود. روایت دیگر که بر جواز قتل زوج دلالت می‌کند مضمون این روایت چنین است: هرکسی زوجه خود را ببیند که زنا میکند میتواند هر دو نفر را به قتل برساند. تبریزی درباره این روایت می‌گوید: این روایت مرسله است، قبل از شهید اول یافتن نشده احتمال استناد مشهور به این روایت وجود ندارد تا گفته شود با عمل مشهور ضعف سند جبران میشود. مرحوم گلپایگانی قائل شده به این که ضعف سند این مرسله با شهرت جبران می‌شود.

بخش دوم: نظرات و آراء فقها درباره قتل در فراش

فقها درباره قتل زوجه و اجنبی در حال زنا توسط زوج در صورتی که زوجه تمکین کند به دو دسته تقسیم می‌شود: مشهور فقها موافق قتل و دسته‌ای دیگر قائل به تفصیل می‌باشند و جواز مقید به وجودی کرده‌اند

که آرا و نظریات دو دسته به شرح ذیل بیان می‌شود:

۱- نظر مشهور فقها در جواز قتل زوجه و اجنبی

هرگاه شوهر مردی را در حال زنا کردن با همسر خود مشاهده کند می‌تواند به حکم آنچه که بین او و خدایش است هر دو را به قتل برساند و به واسطه قتلی که مرتکب شده

است گناهی بر او نیست در الروضه البهیه آمده " هرگاه شوهر مردی را در حال زنا کردن با همسر خود مشاهده کند می تواند به حکم آنچه که بین او و خدایش است هر دو را به قتل برساند و به واسطه قتلی که مرتکب شده است گناهی بر او نمی باشد اگرچه اجرای حد در غیر فراش، منوط به اذن حاکم می باشند. حکم مذکور نظر مشهور فقهای امامیه است که در مورد آن مخالفی سراغ نداریم و این حکم جواز قتل، در روایتی نیز آمده است. جعبی عاملی درباره حکم جواز می گوید:

این حکم به حسب واقع است و بین او و خدایش است و مرتکب گناهی نشده ولی برای اثبات ادعای خود باید یا بینه اقامه کند یا اولیای دم ادعای وی را تصدیق نماید، زیرا اصل اقتضا می کند که مجنی علیه مستحق قتل نبوده و عمل زنا که مورد ادعای قاتل میباشد واقع نشده است. ابن فهد حلی نوشته: هرگاه کسی را بکشد و ادعا کند که مقتول را در بستر زن خود یافته است قصاص می شود مگر آنکه بر ادعای خود بین اقامه کند. صاحب مجمع الفائده و البرهان در مورد حکم مذکور می نویسد: گویا دلیل حکم جواز قتل اجماع است علاوه بر این موید به حکم عقل نیز می باشد. دلیل دیگر روایت داوود بن فرقد است که از امام صادق علیه السلام نقل شده است. اصل این حکم مشهور بین فقها است بلکه ممکن است به حد اجماع رسیده باشد. اما این حکم مربوط به عالم واقع و نفس الامر است ولی از نظر شرع قاتل مورد بازخواست قرار می گیرد پس قصاص می شود مگر اینکه برای اثبات ادعای خود شاهد بیاورد یا ولی دم ادعای او را تصدیق کند. صاحب شرائع الاسلام معتقد است: اگر شوهری همسر خود را با مردی در حال زنا بیابد می تواند آن دو را به قتل برساند و از بابت این قتل گناهی مرتکب نشده است، اما در ظاهر باید قصاص شود مگر آنکه برای ادعای خود بینه اقامه کند یا اولیای دم وی را تصدیق نماید. علامه حلی نیز همانند عبارت محقق حلی ذکر کرده است. امام خمینی نیز فرموده: در مواردی که از دیدگاه فقهی ضرب و جرح و قتل تجویز شده است مربوط به حکم بین فرد و خدا می باشد و گناهی بر او نیست اما از نظر ظاهری قاضی بر اساس موازین قضایی حکم می کند، در نتیجه اگر زوج مردی را بکشد و ادعا کند که او را با همسر خود یافته است و نتواند بر اساس آنچه شارع مقرر نموده است شاهد اقامه نماید حکم به قصاص آن مرد خواهد شد، همچنین در موارد مشابه همین حکم اجرا می شود. بسیاری از فقهای دیگر نیز چنین اظهاراتی دارند.

۲- نظرات فقهایی که قائل به جواز قتل بطور مقید شده اند

بعضی از فقها قتل را به طور مطلق نپذیرفته‌اند و قائل به تفصیل شده‌اند که حکم را به قیودی مقید نموده‌اند و بعضی مقید به احسان کرده‌اند و بعضی دیگر از باب دفاع مشروع دانسته‌اند که بطور مختصر به آن می‌پردازیم.

الف: جواد قتل با قید احسان

آقای صانعی گفته‌اند به نظر اینجانب قتل مرد و زن در جایی که مرد ببیند که اجنبی با زنش زنا میکند حسب قواعد معتبره شرعیه و عقلیه جایز نمی‌باشد چون در عین آنکه زوجه و مرد اجنبی هر دو گناهکار و معصیت کار و خائن می‌باشند و مرتکب زنا شده‌اند و مستحق حد هستند و حد آنان هم رجم است و روایت ابی مخلد اگرچه بر نظر اینجانب حجت نباشد لااقل موید است. مکارم شیرازی قتل زانی را جایز دانسته ولی با قتل زوجه مخالفت کرده و به نظر ایشان قتل زانی احتیاج به مراجعه به قاضی ندارد ولی اگر زوج نتواند مطلب را با دلیل کافی یعنی شهادت شهود یا اقرار زانی یا علم قاضی اثبات کند گرفتار قصاص می‌شود. محقق اردبیلی در خصوص شرط احسان تأمل دارد که گفته کسی که در صورت دستگیری و محاکمه نزد قاضی فقط به مجازات شلاق محکوم می‌شود پس چگونه در صورت مشاهده این فرد در فراش مهدورالدم بوده و کشته شود. شیخ طوسی می‌گوید: هرگاه زوج به همراه همسرش مردی را ببیند که با او زنا می‌کند و هر دو محصن باشند حق دارد هر دو را به قتل برساند. ابن ادریس حلی نیز حکم را به احسان مقید کرده است که گفته: اگر زوج به همراه همسرش مردی را ببیند که با او زنا می‌کند و هر دو محصن باشند می‌تواند هر دو را به قتل برساند. فاضل هندی گفته: هرگاه زوج با همسرش مردی را در حال زنا بیابد و علم به تمکین و رضایت زن از او داشته باشد میتواند زوجه را بکشد و گناهی نکرده است. شیخ طوسی و گروهی از فقها آن را قطعی دانستند شیخ طوسی و ابن ادریس آن را مقید به احسان هر دو کرده‌اند. بسیاری از فقها احسان را شرط نمی‌دانند از جمله شهید ثانی در شرح لمعه تصریح دارد که تفاوتی بین محصن و غیر محصن نیست، صاحب جواهر نیز مقید به احسان ننموده است.

ب: جواز قتل از باب دفاع مشروع

بعضی از فقها برای حکم جواز از بابت دفاع مشروع به روایاتی استناد کرده‌اند از جمله این

روایات

این است که از امام رضا علیه السلام پرسیدند مردی برای سرقت یا عمل منافی عفت وارد منزل دیگری شده است و صاحبخانه هم وی را به قتل رساند. حضرت فرمودند: کسی که وارد منزل دیگری شود خون او مباح است و چیزی بر صاحبخانه نیست. نیز ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی دفاع مشروع و شرایط آن را بیان کرده است که هر گاه فردی در مقام دفاع از نفس یا عرض، ناموس و مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز فعلی و یا خطر قریب الوقوع مرتکب عملی شود که طبق قانون جرم باشد در صورت اجتماع شرایط مذکور در قانون قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود.

بخش سوم: ادله و مستندات شرعی نظرات فقهی

۱: اجماع: در تتبع نظرات فقها، محقق اردبیلی نسبت به جواز مطلق قتل در فراش ادعای اجماع کرده است.

برخی فقها نسبت به ادعای اجماع چنین اشکال کرده‌اند که اولین فقیهی که قتل در فراش را مطرح کرده است شیخ طوسی است و پیش از وی این مسئله از سوی فقهای متقدم مطرح نشده است لذا ادعای اجماع در این باب قابل قبول نیست. علاوه بر این باید اظهار داشت که برخی فقها نیز جواز قتل را مقید به شرط احسان کرده‌اند که با ادعای اجماع از سوی محقق اردبیلی در تعارض است، چرا که به گفته ایشان همه فقها قتل در فراش را به طور مطلق و بدون اشتراط احسان در زانی و زانیه جایز می‌دانند، حتی برخی نیز قائل به عدم جواز قتل در فراش هستند که نشانی بر عدم اجماع در مسئله است، لذا ادعای اجماع در مسئله پذیرفته نیست.

۲- عقل: دلیل عقلی ارائه شده در این موضوع مسئله دفاع مشروع است که برخی فقها در صدد تطبیق حکم با دفاع از عرض و ناموس برآمده‌اند. دفاع مشروع در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ چنین تعریف شده است: هرگاه شخصی در مقام دفاع از نفس، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون مجازات جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌شود. اما حکم قتل در فراش با قواعد مربوط به دفاع مشروع سازگاری ندارد چراکه در قتل در فراش شارع مقدس مستقیماً بدون رعایت شرایط دفاع جواز قتل را به شوهر داده است، در حالی که در دفاع مشروع رعایت مراحل دفاع ضرورت دارد. چنانکه در

قواعد فقهی نیز قاعده از "الضرورات تنقذ بقدرها" به منظور رعایت مراحل دفاع قابلیت استناد دارد. مضافاً اینکه در دفاع مشروع هر شخصی می تواند از نوامیس خودش به مورد تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع واقع گشته‌اند دفاع کند، در حالی که در جواز قتل در فراش مختص شوهر است و چنین حقی به سایر مردانی که با زوج قرابت دارند اعطا نشده است، بنابراین دلیل عقلی برای مسئله یافت نمی شود.

۳- سنت: یکی دیگر از ادله های شرعی در این راستا سنت می باشد که در ادامه به بررسی آن خواهیم پرداخت.

بخش چهارم: دیدگاه فقهای اهل سنت نسبت به قتل در فراش

فقهای اهل سنت نظریات مختلفی در مورد جواز قتل یا جایز نبودن آن و همچنین شرایط لازم برای تحقق فرض بیان کرده‌اند. در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه در این رابطه آمده است: جمهور اهل سنت در مسئله قتل زوجه و اجنبی معتقدند قتل زانی جایز نیست و به حدیثی استناد می کنند که سعد بن عباده از حضرت رسول (ص) سوال کرد: ای رسول خدا اگر مردی را با همسرم ببینم آیا مهلت بدهم تا علیه او با چهار شاهد اقامه شهادت کنم؟ حضرت فرمود: بلی.

در توضیح بیان می کند که زیرا ممکن است مردی دیگری را به منزل خویش جهت امری دعوت نماید و به جهت کینه و انتقام او را بکشد و بگوید او را با همسرم مشاهده کردم و ممکن است کسی که به جهت خلاص شدن از دست همسرش او را به قتل برساند و به دروغ ادعا کند که او را در حال زنا با اجنبی دیده است از اقوال مذکور بر می آید زانی محصن به علت انجام عمل شنیع زنا مباح الدم است و اشاره به لزوم محاکمه و اثبات جرم و محکومیت زانی از سوی حاکم یا ولی امر نشده است. در کتاب مذکور از حنیفه مطلبی نقل شده است که این برداشت را تایید نمی کند. حنیفه معتقدند وقتی چهار نفر در مورد زنا کسی شهادت دادند اما هنوز عدالت شهود مورد بررسی قرار نگرفته و اگر کسی اقدام به قتل زانی کند در صورت عمد، قصاص و در صورت خطا محکوم به پرداخت دیه میشود، اما اگر قاضی حکم به رجم کرد و بعد مردی او را عمداً یا از روی خطا بکشد مسئولیتی ندارد. در کتاب التشریح الجنایی به نظریات شافعیه اشاره شده که قول مهدورالدم بودن زانی محصن ترجیح داده شده است. اعتقاد به اینکه عمل ارتكابی شوهر در مقام دفاع از عرض و ناموس

است در همه حال یکسان نیست. در جایی که زن ممتنع از عمل زنا باشد و مرد اجنبی با عنف و اکراه زن را مجبور به زنا کرده باشد و در آن حال شوهر مرتکب قتل شود چنین قتلی با تعریف و ضوابط دفاع مشروع منطبق است، اما چنانچه زن، خود به انجام یافتن عمل زنا تمایل داشته باشد و به مرد اجنبی تمکین کند انطباق این حکم با بحث دفاع مشروع دشوار به نظر می‌رسد. هرچند که برخی از حقوقدانان مفهوم دفاع مشروع را توسعه داده موردی که زن در ارتکاب زنا رضایت داشته است را نیز از موارد دفاع مشروع می‌دانند و مرد را به دلیل آنکه به خاطر هتک حریم و عرض و ناموسش اقدام به قتل می‌کند مشمول معافیت از مجازات میشه می‌شمرند. ناز طرف دیگر برخی در توجیه حکم مزبور دفاع مشروع را به دفاع مشروع عام و خاص تقسیم می‌کنند و مورد دفاع مشروع خاص را جایی می‌دانند که مرد اجنبی علیرغم میل باطنی زن و با اکراه و عنف در صدد انجام دادن زنا با وی بر می‌آید و چنانچه در همین مورد زن رضایت داشته باشند و شوهر اقدام به دفاع کند آن را از مصادیق دفاع مشروع عام دانسته و هدف این نوع از دفاع مشروع را صیانت از اخلاق و نظم و امنیت جامعه و دفاع و دفع منکر دانسته‌اند.

عبدالقادر عوده از علمای اهل سنت در خصوص مهدورالدم بودن زانی محصن می‌نویسد مالک و ابوحنیفه و احمد حنبل اتفاق دارند که بر قاتل زانی محصن قصاص و دیه نیست، زیرا زانی محصن به واسطه عمل زنا قتلش مباح است و چون مجازات زنا از حدود است و تاخیر حدود و عفو آن جایز نیست، قتل زانی محصن به جهت از بین بردن منکر و اجرای حدود خداوند امری واجب تلقی می‌شود.

بخش پنجم: تفاوت دیدگاه علمای مذاهب مختلف اهل سنت

مذاهب چهارگانه اهل سنت با اختلافاتی که در جزئیات این مسئله دارند در مجموع معتقدند اگر مردی، اجنبی را در حال زنا با همسر خویش ببیند و او را به قتل برساند در صورتی که بتواند زانی محصنه وی را اثبات کند قصاص نخواهد شد. البته برخی احصان را شرط دانسته و برخی دیگر آن را شرط ندانسته و نفس اثبات زنا را باعث معافیت شوهر از قصاص می‌دانند. در باب حکمت حکم نیز چهار احتمال: تحریک و تهییج روحی شوهر، دفاع مشروع از عرض و ناموس، اجرای حد الهی، مهدورالدم بودن زانی و زانیه وجود دارد که دفاع مشروع، قائلان بیشتری دارد.

بند اول: دیدگاه علمای حنابله

حنابله معتقدند اگر همسر یا دختر یا سایر محارمش را دید که با مردی زنا می کند یا با فرزند او و امثال آن لواط می کند در صورتی که با غیر قتل، دفاع وی مقدور نباشد واجب است وی را به قتل برساند چون قاتل هم حق خداوند را در پیشگیری از فحشا و گناه ادا کرده و هم حق خودش را در دفع تجاوز از اهل بیتش. بهتویی ۱۴۲۱ صفحه ۳۷۸

بند دوم: دیدگاه علمای شافعیه

شافعی معتقدند اگر مردی بیگانه ای را با همسرش بیابد و ادعا کند به دلیل ارتکاب فعلی که موجب حد است اقدام به قتل یکی یا هر دوی آنها کرده ولی نتواند شهودی بیاورد که وی را تصدیق کنند به سبب قتل قصاص می شود، مگر آنکه ولی دم مقتول یا مقتوله مطالبه دیه کند یا او را عفو کند. از سوی دیگر چنانچه مرد ادعا کند که اولیای مقتول بر ارتکاب عملی که موجب قتل است آگاهی داشته اند یا علم به سابقه سوء رفتار مقتوله را علیه اولیای وی ادعا کند لازم است بر ادعای خود درباره علم ایشان سوگند بخورد. بابایی ۱۳۷۷ صفحه ۱۰۶

بند سوم: دیدگاه علمای مالکیه

مالکیه عقیده دارند که اگر قاتل در چنین حالتی دو شاهد بیاورد که قتل به دلیل ارتکاب زنا بوده و مقتول شرایط احسان را داشته است نمی توان برای قاتل که شاهد ارتکاب زنا بوده مسئولیتی قائل شد.

بخش ششم: مقایسه قوانین جزایی ایران با دیدگاه علمای اهل تسنن

تحلیل تطبیقی ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی و دیدگاه اهل سنت:
نخست ماده ۶۳۰ برخلاف ماده ۱۷۹ که از معاذیرمعاف کننده بود از مصادیق اجازه قانون است در واقع با توجه به تجویز قتل در این ماده از سوی مقنن مرتکب از امتیازات علل موجه استفاده می کند.

دوم ماده ۶۳۰ از مصادیق دفاع از ناموس محسوب نمی شود و ضرورتی به احراز شرایط از قبیل تناسب و ضرورت نیست زیرا نه فقط در متن ماده اشاره ای به چنین شرایطی نشده بلکه فقط ماده ۶۲۹ قانون مجازات اسلامی به قتل عمدی در مقام دفاع از ناموس اختصاص یافته است.

سوم در تعامل این ماده با ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی نیز باید گفت که ماده اخیر جامع تمام مصادیق ماده ۶۳۰ نمی بوده و بعضی از مصادیق آن از شمول ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی خارج می‌شد مانند موردی که مرتکب محصن نباشد و شوهر به آن آگاه باشد.

چهارم اگر شوهر در هویت همسر خود اشتباه کند در این صورت از شمول ماده ۶۳۰ خارج خواهد بود ولی می‌تواند با رعایت شرایط با استناد به تبصره ۲ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی از قصاص بگریزد. این حکم در سایر مصادیق اشتباه شوهر مانند اشتباه در تمکین زن یا اشتباه در تحقق زنا و در صورتی که قبول اشتباه متعارف باشد قابل تسری است.

پنجم مقنن به علت وضع این ماده اشاره‌ای نکرده است و لذا انگیزه مرتکب و یا تحقق یا عدم تحقق حالت هیجانی، تحریک شدگی و مانند آنها ظاهراً شرط تجویز قتل محسوب نمی‌شود هر چند منطقی نمی‌توان بدون چنین حالاتی، ارتکاب قتل عمدی را موجه دانست.

ششم منظور از واژه "مردی" در صدر ماده شوهر است و نوع رابطه زوجیت اعم از اینکه همسر دائمی یا منقطع باشد فرقی ندارد و برادر و پدر از شمول ماده خارج هستند. ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی ناظر بر زوجه ای است که مطلقه نشده باشد و تعمیم آن به نحوی که شامل مطلقه متعدده رجعیه هم بشود تفسیر موسع قانون است که در امور جزایی مجاز نیست. بنابراین قتل زن مطلقه در عده رجعیه توسط شوهر سابق از لحاظ جواز قتل در قانون نیامده است و بین فقها اختلاف نظر وجود دارد.

هفتم شمول ماده بر شوهر، مستلزم آن است که شخصاً آن وضعیت را مشاهده کند لذا دیدن فیلم یا شنیدن جریان از دیگران و یا ضبط صوت مجوز قتل موضوعی ماده نخواهد بود.

هشتم موضوع مشاهده، در حال زنا بودن زن و مرد اجنبی است.

نهم تمکین زن و علم شوهر به آن، شرط دیگر موجه بودن چنین قتلی است و در صورتی که شوهر را با علم به اینکه مکره است به قتل برساند قصاص خواهد شد.

دهم استفاده مقنن از واژه "می‌تواند" گشاده دستی مقنن در صورت اجازه قتل در غیر مورد دفاع مشروع و یا حتی مصادیقی است که مرتکب محصن نیست و مجازات شرعی و

قانونی او فقط شلاق است و یا در موقعیتی است که هیجان و آشفتگی در میان نباشد که در این صورت تعارض آن با اصول و قواعد حقوقی و نیز نظم عمومی روشن است. یازدهم وضعیت تاهل زانی شرط نیست بنابراین اگر زانی محصن نباشد و حتی شوهر به آن آگاه بوده و بدانند که مجازات چنین عملی فقط شلاق است تاثیری در شمول ماده ۶۳۰ نخواهد داشت.

دوازدهم شمول ماده ۶۳۰ بر شوهر منصرف از آن است که به طرز ناگهانی با چنین صحنه‌ای مواجه شود یا با اطلاع قبلی صحنه سازی کرده و مبادرت به قتل آنها نماید زیرا در متن ماده هیچ اشاره‌ای به ضرورت یا عدم ضرورت اطلاع قبلی شوهر نبوده است. اما به نظر نگارنده با توجه به اینکه حکم این ماده استثنا بر قاعده است و در چنین مواردی باید به قدر متقین اکتفا نمود و به عبارت دیگر با تفسیر مضیق دامنه شمول آن را محدود کرد می توان از جمله "مشاهده کند" ناگهانی بودن و یا حداقل عدم اطلاع شوهر از وقوع این امر در آن لحظه و فقدان هرگونه مقدمه‌چینی را ضروری دانست.

سیزدهم مجنی علیه های این ماده منحصر به همسر مرتکب قتل است و مرد نمی تواند از حکم این ماده در مورد سایر اقوام خود استفاده نماید با این حال اگر مردی در مورد فرزندان یا مادر خود با چنین شرایطی مواجه شود و مورد از مصادیق دفاع مشهور نباشد باز هم می تواند با توجه به قوانین موجود حسب مورد از ماده ۲۲۶ یا تبصره ۲ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی استفاده نماید که توالی نامطلوب آنها به سهولت قابل درک است.

چهاردهم مقنن در ذیل ماده حکم ضرب و جمع را نیز مشمول قتل دانسته است و به عبارت دیگر ارتکاب هر جنایت دیگری به طریق اولی مشمول اجازه قانون است.

در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی اینکه مردی کشته شود و دارای شرایط احصان نباشد در این صورت مجازات وی فقط حد جلد یعنی یکصد ضربه شلاق است و نباید مجازات قتل در مورد وی اجرا شود. همسر این ماده اعم از دائم و موقت می باشد. این ماده تنها اختصاص به همسر دارد و شامل مادر و خواهر و سایر بستگان اناث نمی شود. لازم است که مرد، زن خود را در حال زنا ببیند یعنی زنا را با شرایط آن احراز کند. لازم است که مستقیم ببیند و نباید به شنیدن و دیدن فیلم و... اکتفا شود. مرد باید علم به تمکین داشته باشد و شک و احتمال ظن و حدس و... کافی از برای احراز تمکین نمی باشد بنابراین سکوت زنی که به همخوابگی تن داده، به معنای تمکین او نخواهد بود. منظور از مشاهده، دیدن ناگهانی

است زیرا واژه مشاهد از باب مفاعله و معنای برخورد ناگهانی را دارد، بنابراین اگر مردی در کمین زن خود باشد حق استفاده از این حق قانونی را ندارد. با توجه به قید "در همان حال آنان را به قتل برساند" اگر مرد و زن از حالت جماع خارج شوند دیگر شوهر حق به قتل رساندن آنها را ندارد. اگر کسی زن خود را با مرد اجنبی به صورت زن و شوهر در معبر آن ببیند و مرتکب قتل مرد شود در حالی که زن او سابقه اقامت در خارجه را داشته و متدین به دیانت غیر اسلامی باشد و زوجیت زن، بین متهم و مجنی علیه اختلاف بوده و به مقامات صالحه شکایت شده باشد و زن منکر زوجیت با متهم باشد متهم معاف از مجازات نیست. اگر متهم به قتل عیال خود ادعا کند که او را با مرد اجنبی در یک فراش دیده است این دفاع کاملاً و به طور دقیق باید مورد توجه و رسیدگی واقع شود، چه ثبوت این امر در قبال مجازات بودن و نبودن وی تاثیر بسزایی دارد، اگر با نقص رسیدگی در این مورد دادنامه بر محکومیت متهم صادر می شود، قابل نقض است. گلاویز شدن با زن شوهردار به قصد عمل شنیع، به منزله وجود در یک فراش محسوب است و اگر شوهر با مشاهده این حال شخص گلاویز شونده را بکشد بر طبق ماده ۱۷۹ از مجازات معاف است. به نظر می رسد که چنین عملی را باید تعرض به عرض و ناموس تلقی کرد و عمل فردی را که آن را دفع می کند دفاع از عرض و ناموس تلقی شود و مشمول مواد دفاع مشروع باشد و یا اینکه به شرط احراز دفاع متوقف به قتل، در اجرای ماده ۶۲۹ ق م م تعزیرات و مجازات های بازدارنده مرتکب از مجازات معاف شود. با بررسی ماده ۱۷۹ مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ و نظر علمای اهل سنت می توان گفت که نظر قانون گذار به نظر علمای مذهب حنابله نزدیکتر است و در این ماده از نظر علمای حنابله تبعیت شده است، اما بعد از انقلاب اسلامی و تصویب ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ ایران و اصول فقهی حاکم بر اصل سنت در مورد قتل در فراش رویکرد قانونگذار ایران تغییر یافته به نظر علمای شافعیه نزدیکتر شده است.

بخش هفتم: وضعیت ارت در قتل در فراش

در حقوق اسلام از جمله مواردی که شخص قاتل به رغم ارتکاب قتل عمدی از مجازات معاف است قتلی است که در ماده ۶۳۰ تعزیرات سال ۱۳۵۷ به آن اشاره شده است. از نظر حقوقی در قانون مدنی ما تعریفی از کلمه دفاع نشده است و از آنجا که در ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی مفهوم دفاع به موضوع دفاع از نفس و... یا دیگران منصرف شده است و در

حقیقت دفاع در ماده ۸۸۱ قانون مدنی را باید شامل دفاع مندرج در ماده ۶۳۰ قانون تعزیرات بدانییم و با توجه به اینکه در مورد ماده ۶۳۰ قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ اکراه و منفی وجود ندارد، بعضی از شارحان قانون مدنی معتقدند اولاً صرف معافیت از مجازات امری استثنایی و مفهوم محدود به دایره شمول خود است، بلکه وجود ماده ۸۸۱ قانون مدنی خود موید این ادعاست و اگر صرف معافیت از مجازات مدنی در مورد بحث، دال بر عدم ممنوعیت از ارث بود دیگر لزومی نداشت که قانون مدنی مجدداً به آن تصریح کند، ثانياً این قتل مزبور از مصادیق دفاع مشروع مندرج در ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی نیست زیرا در مورد دفاع از نفس، قید اکراه و عنف وجود دارد و معمولاً در مورد قتل موضوع ماده ۶۳۰ قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ کسی که معترض ناموس دیگری می شود موضوع اکراه و عنف پیش نمی آید و لذا دلیلی بر منع محرومیت از ارث قاتل وجود ندارد. اما در پاسخ به چنین استدلالی همگام با بزرگان دیگر حقوقی باید گفت: درست است که در مورد وجود رابطه اجنبی با زن که با رضایت و مطاوعت از طرف زن انجام گرفته اصولاً موضوع اکراه و عنف پیش نمی آید، ولی با دقت در ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی می توان گفت که مسئله دفاع از عرض یا ناموس از جمله مواردی است که قانونگذار مدافع آن را معافیت از مجازات دانسته است و در فرض مذکور نیز اگرچه رابطه مرد اجنبی با زن دیگری بدون وجود عنف و اجبار حاصل شده است. هدف وجود چنین عملی از طرف مرد بیگانه، تجاوز به ناموس یا عرض زوج به شمال شمار می آید. از این رو، وی در صدد دفاع از ناموس برمی آید و دفاع وی را مشروع قلمداد می گردد بنابراین باید قاتل را علاوه بر مجازات کیفری از مجازات مدنی (ممنوعیت از ارث) نیز معاف دانست.

نتیجه گیری

قتل های ناموسی را می توان عملی دانست که طی آن مردان خونی و خویشاوندی یکی از افراد مونث خانواده خود را اعم از خواهر، دختر، مادرو همسر را به دلایل مختلفی مانند داشتن رابطه جنسی با دیگری و حتی گاه به خاطر سوءظن به او یا انتشار یک شایعه در خصوص انجام چنین اعمالی به قتل برسانند تا به زعم خود لکه ننگ و رسوایی پیش آمده از این عمل از دامان خانواده و فامیل پاک شود. نهایتاً سه دیدگاه فقهی در مورد قتل در فراش وجود دارد:

دیدگاه مشهور فقها: هرگاه شخصی مردی را در حال زنا با همسرش ببیند می‌تواند هر دو را به قتل برساند و گناهی بر او نیست ولی از لحاظ حکم ظاهر باید قصاص شود مگر اینکه بر ادعای خود بیینه داشته باشد یا ولی دم حرف او را تصدیق کند.

دیدگاه غیر مشهور فقها: هرگاه شخصی مردی را در حال زنا با زن خود ببیند در حالی که هر دو محصن باشند می‌تواند هر دو را به قتل برساند، همچنین اگر مردی را با کنیز یا غلام خود ببیند حق قتل آن دو را دارد.

دیدگاه فقهای مخالف: آیت الله خوئی برای اثبات ممنوعیت قتل در فراش به ضعف سندی برخی روایات اشاره کردند و می‌فرمایند قول مشهور آن است که چنانچه مردی شخص دیگری را با زوجه اش در حال زنا مشاهده کند و زن هم با او همکاری کند می‌تواند هر دو را بکشد و این حکم خالی از اشکال نیست بلکه ممنوع است.

دیدگاه فقهای اهل سنت: نظریات مختلفی در مورد جواز یا عدم جواز قتل مطرح کرده‌اند. جمهور اهل سنت بر مسئله قتل زوجه و اجنبی معتقدند قتل زانی جایز نیست و برای این استدلال به حدیث پیامبر استناد کردند. گروهی دیگر از اهل سنت هم معتقدند چنانچه کسی زانی غیر محصن را در حال زنا به قتل برساند مجازات می‌شود و دلیل ایشان قضاوت عمر در مورد مردی است که با شمشیر خون‌آلود نزد او آمد و آن مرد دو پای همسرش را برید به دلیل اینکه همسرش را در بستر مرد اجنبی دید و عمر گفت اگر دوباره آمدند همین کار را تکرار کن و خون مقتول را هدر اعلام کرد.

منابع و مأخذ

- آل بویه، علی، ۱۳۹۵ نقد و بررسی دلائل و آرای فقها درباره قتل در فراش، اولین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهشی دینی، رشت،،، ۶۱۴۳۵۳۹
<https://civilica.com/doc/>
- علیزاده، زهرا و سرخوش، جواد، ۱۳۹۶، قتل در فراش در فقه و حقوق ایران، همایش بین المللی حقوق علوم سیاسی و معارف اسلامی قرچک،،، ۶۶۹۴۱۲
<https://civilica.com/doc/>
- نبات زاده، نرگس و میلانی، علیرضا، ۱۳۹۷ قتل در فراش در نظام فقهی اهل سنت دومین همایش بین المللی حقوق علوم سیاسی و معارف اسلامی، تهران،،، ۸۶۹۳۶۸
<https://civilica.com/doc/>
- خوئی، مبانی تکمله المنهاج، جلد ۴۲ صفحه ۱۰۴
- گلپایگانی، الدر المنصور، جلد ۱ صفحه ۴۹۱
- فاضل هندی، کشف الثام، جلد ۱۰ صفحه ۴۸۸
- خوانساری، جامع المدارک، جلد ۷ صفحه ۲۵۱
- تبریزی، اسس الحدود و تعزیرات، صفحه ۱۷۰
- حر عاملی، وسائل الشیعه، جلد ۱۹ صفحه ۷۰
- خویی، تکمله المنهاج، جلد ۴۲ صفحه ۱۰۴
- خوانساری، جامع المدارک، جلد ۷ صفحه ۲۵۱
- حر عاملی، وسائل الشیعه، جلد ۱۹ باب ۲۹
- تبریزی، اسس الحدود و التعزیرات، صفحه ۱۷۰
- گلپایگانی، الدر المنضود، جلد ۱ صفحه ۴۸۹

